

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ

۸۷/۱۱/۱۰ ۴۴۹۸
۸۷/۱۱/۱۶

دانشگاه علامه طباطبایی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان پایان نامه

احکام و آثار معاملات خارج از موضوع شرکت های تجاری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کورش کاویانی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمدرضا پاسبان

گردآورنده:

مریم کارگر کرمی

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع: حقوق خصوصی

زمستان ۸۶

۱۵۵۱۳۱

علائم اختصاری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱. ق.ا.ج.ا.ا.
قانون تجارت	۲. ق.ت.
قانون ثبت	۳. ق.ث.
قانون ثبت شرکتهای	۴. ق.ث.ش.
لایحه اصلاحی قانون تجارت	۵. ل.ا.ق.ت.

تقدیر و تشکر

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

حمد و سپاس خدای که تعقل و تفکر به عبد خویش بخشید ، نیروی جهد و کوشش بدو عطا کرد و جهان خلقت را به زینت قلم آراست. حال که با عنایت خدای متعال این پژوهش به اتمام رسیده است ، وظیفه خود می دانم که از استاد راهنمایم جناب دکتر کورش کاویانی که صبورانه و با دلسوزی مرا یاری نمودند و استاد مشاورم جناب دکتر محمد رضا پاسبان که مرا در تهیه کتب انگلیسی و اتمام این پژوهش کمک نمودند ، و کلیه اساتید محترم دیگر که در این امر مرا یاری نمودند تشکر و قدردانی نمایم.

تقدیم به آنان که مرا در دامان عشق شان پروراندند.

فهرست عنوان های اصلی

فصل اول- کلیات

- مبحث اول- طرح بحث و تقسیم اجمالی مطالب ۲
- مبحث دوم- تعاریف ۷
- مبحث سوم- پیدایش اهلیت شرکت تجارتي ۲۱
- مبحث چهارم- مبنای اهلیت شرکت تجارتي ۳۲

فصل دوم- احکام و آثار معاملات خارج از موضوع شرکت با فرض محدود بودن

اهلیت شرکت به موضوع آن

- مبحث اول- اصل تخصص و اصل استثنائی بودن عدم اهلیت شرکت ۴۲
- مبحث دوم- حدود اختیارات مدیران شرکت های تجارتي ۶۲
- مبحث سوم- استثنائات وارد بر صلاحیت عام مدیران شرکت تجارتي ۷۴
- مبحث چهارم- حکم معاملات خارج از موضوع شرکت ۷۷
- مبحث پنجم- مسئولیت مدیر نسبت به معاملات خارج از موضوع شرکت ۸۰

فصل سوم- احکام و آثار معاملات خارج از موضوع شرکت با فرض مطلق بودن اهلیت

شرکت تجارتي

- مبحث اول- اختصاص داشتن اصل تخصص به اشخاص حقوق عمومی ۸۹
- مبحث دوم- حدود اختیارات مدیران ۱۰۲
- مبحث سوم- استثنائات وارد بر صلاحیت عام مدیران ۱۰۳
- مبحث چهارم- حکم معاملات خارج از موضوع شرکت ۱۰۶
- مبحث پنجم- مسئولیت مدیران ۱۱۹
- مبحث ششم- نحوه اقامه دعوی ۱۰۳
- مبحث هفتم- نظارت بر عملکرد مدیران ۱۳۲

فصل چهارم- مقایسه و نتیجه گیری

مقدمه

قواعد حقوقی برای تنظیم روابط و پدیده اجتماعی بوجود می آیند و رابطه مستقیم با روابط اجتماعی داشته و از تحولات آنها متأثر می شوند. اگر قواعد حقوقی پا به پای تحولات ایجاد شده متحول نشود و اصرار بر این باشد که پدیده ها و روابط تغییر یافته ، همواره از قالب حقوقی تعیین شده، تبعیت نماید ، ناگزیر روابط اجتماعی دچار نابسامانی و عدم توسعه خواهند شد.

در جهان امروز بخش عظیمی از فعالیت های اقتصادی را شرکت های تجاری انجام می دهند. بدون تردید ، رونق و توسعه شرکت های تجاری ، بازدهی فعالیت های اقتصادی و گردش سرمایه را شدت می بخشد. امروزه تجارت به ویژه تجارت جهانی در قالب معاملات افراد حقیقی نمی گنجد. افراد حقیقی به عنوان صاحبان سرمایه های کوچک در بطن شرکت تجاری که دارای شخصیت حقوقی است جذب شده و از هویت فردی خود تهی گردیده اند ، اگر دیروز اشخاص حقیقی « موضوع » حق و تکلیف محسوب می گردیدند ، امروزه در لفافه شرکت سهامی به عنوان سهامداران فقط دارای هویت اقتصادی بوده و آن که مدعی حق و مأخوذ به تکلیف است ، همان « شخص حقوقی » است.

در واقع آنچه وجه مشخصه فرض شخصیت حقوقی در روابط تجاری است و به واقع سبب گسترش آن گردیده ، از یک طرف به رسمیت شناختن « جدائی » دارائی شخصی

سهامداران از دارائی شرکت است و از طرف دیگر اعطای هویت مستقل و فراتر از شرکا به این شرکت ها می باشد.

جدائی دارائی شخصی از شرکت به این معنی است که در واقع اموال سهامداران وثیقه دیون شرکتی آنان قرار نمی گیرد و در صورت ورشکستگی شرکت ، آنان به ورطه تباهی مالی نمی غلتند. شرکت های تجارتي در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها بسیار مؤثر می باشند. توسعه شرکت های تجارتي به قوانین و مقررات حاکم بر شرکت ها ، به خصوص قواعد حاکم بر مدیریت آنها ، قواعد حاکم بر اهلیت شرکت های تجارتي و قواعد حاکم بر تعیین موضوع شرکت بستگی دارد. زیرا توسعه در جنبه های مختلف آن فرع بر امنیت است. در صورتی که قواعد حقوقی حاکم بر شرکت ها ، با فعالیت ها و نیازهای شرکت ها سازگاری نداشته ، امنیت سرمایه گذاری سهامداران ، سرعت و حفظ حقوق اشخاص معامله کننده با شرکت ها ، به خصوص در معاملات بین المللی را تضمین نکند ، سرمایه گذاری در شرکت ها با استقبال عمومی مواجه نخواهد شد. در نظام حقوقی ایران ، قواعد حاکم بر مدیریت شرکت های تجارتي ، قواعد حاکم بر اهلیت شرکت های تجارتي و قواعد حاکم بر تعیین موضوع شرکت روشن و صریح نمی باشد. و از آنجا که موضوع پژوهش در روابط و معاملات شرکت های تجارتي ، حدود حقوق و تعهدات شرکت در مقابل اشخاص ثالث ، مسئولیت مدیر در مقابل شرکت و اشخاص ثالث ، سرعت و امنیت در معاملات تجاری خواه در عرصه معاملات داخلی خواه در معاملات بین المللی از اهمیت شایانی برخوردار است و تمام اینها بستگی به اهلیت شرکت دارد. از سوی دیگر شفاف بودن هر چه بیشتر مرزهای

اهلیت شرکت های تجاری ، موجب تشویق سرمایه گذاران به ایجاد شرکت های تجاری به ویژه شرکت های سرمایه ، حفظ و صیانت از حقوق فعالان عرصه تجارت و نهایتاً سلامت اقتصاد جامعه خواهد بود. لذا در همین راستا در این پژوهش سعی شده ، ثابت کنیم که اهلیت شرکت تجاری مطلق است و محدود به موضوع آن نیست و موضوع شرکت از جمله محدودیت هایی است که مدیر در حدود اختیارات خود بایستی رعایت نماید. در نتیجه اگر مدیر خارج از موضوع شرکت اقدامی کند ، شرکت نمی تواند به بهانه تجاوز از حدود اختیارات از انجام تعهد خودداری کند ، بلکه شرکت مسئول اقدام مدیر خود می باشد و اگر در این راستا ضرری به شرکت وارد شود ، شرکت می تواند علیه مدیر متخلف خود اقامه دعوی نماید.

فصل اول

کلیات

مبحث اول

طرح بحث و تقسیم اجمالی مطالب

گفتار اول

موضوع تحقیق

مسئله اصلی تحقیق این است که آیا معامله ای که مدیر خارج از موضوع شرکت با اشخاص ثالث منعقد می نماید معتبر است یا اینکه معامله مزبور باطل می باشد؟ و به عبارت بهتر، ما در این تحقیق سعی بر این داریم که دریابیم، با توجه به قواعد حقوقی موجود در حقوق تجارت ایران، معامله ای که مدیر خارج از موضوع شرکت با اشخاص ثالث منعقد می نماید چه حکم و آثاری دارد؟ آیا چنین معامله ای معتبر می باشد یا خیر؟ و پاسخ به این سؤال، مبین حدود حقوق و تعهدات شرکت های تجارتي و مدیران در مقابل اشخاص ثالث و مدیر در مقابل شرکت می باشد. اگر معامله خارج از موضوع شرکت را با توجه به قواعد حقوقی باطل بدانیم، شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیتی ندارد و شرکت به سهولت می تواند، در مواقعی که شرکت متضرر می گردد از انجام تعهدات خود در مقابل اشخاص ثالث خودداری ورزد. قبول این نظریه، باعث نقض اصل سرعت و امنیت در حقوق تجارت می شود. برعکس، اگر معامله خارج از موضوع شرکت را که توسط مدیر شرکت منعقد می گردد، صحیح بدانیم شرکت نسبت به تعهدات خود در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد. پذیرش این نظریه، باعث سرعت، ثبات و امنیت در معاملات به خصوص معاملات تجاری بین المللی می گردد. ما در این پژوهش سعی داریم به سمتی که باعث ثبات و امنیت، سرعت و حفظ حقوق اشخاص ثالث می گردد، برویم و این پژوهش از نظر کاربردی برای

محاكم نیز در خصوص حل و فصل دعاوی علیه مدیران یا شرکت قابل استفاده می باشد.

در نتیجه ، سؤال اصلی ما این است که آیا معاملات خارج از موضوع شرکت تجارتي معتبر می باشد یاخیر؟ آثار آن چیست؟ البته سؤالات دیگری در راستای رسیدن به جواب سؤال اصلی نیز مطرح است که سعی شده در این پژوهش به آنها نیز پاسخ مناسب داده شود و آنها عبارتند از :

- اهلیت شرکت تجارتي مطلق است یا محدود به موضوع شرکت ؟
 - جایگاه مدیران در شرکت مانند رابطه وکیل با موکل است یا مبتنی بر نمایندگی قانونی یا مدیر رکنی از ارکان شرکت می باشد؟
 - مدیر نسبت به معامله خارج از موضوع شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارد؟
 - مدیر نسبت به معامله خارج از موضوع شرکت در برابر شرکت مسئولیت دارد؟
 - از جهات مزبور میان شرکت های تجارتي تفاوت وجود دارد؟
- فرضیات تحقیق عبارتند از :

- با توجه به تفسیری که از مواد قانونی و قواعد حقوقی حاکم بر حقوق شرکت های تجارتي ارائه می گردد ، معامله خارج از موضوع شرکت صحیح و معتبر می باشد ، در نتیجه شرکت نسبت به معامله خارج از موضوع شرکت در مقابل اشخاص ثالث متعهد می گردد.
- اهلیت شرکت تجارتي مطلق است و محدود به موضوع آن نیست.
- مدیران یکی از ارکان شرکت می باشند و در مقابل اشخاص ثالث به عنوان یکی از ارکان شرکت تلقی می شوند و اشخاص ثالث نیازی به کسب اطلاع از حدود اختیارات آنان ندارند.
- با توجه به تفسیری که از مواد قانونی و قواعد حقوقی حاکم بر شرکت های تجارتي ارائه می گردد ، مدیر نسبت به معامله خارج از موضوع شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیتی ندارد و شرکت متعهد می گردد ، ولی اگر به دلیل اینکه مدیر خارج از حدود اختیارات خود اقدام نموده اشخاص ثالث متضرر گردند ، مدیر مسئول جبران خسارات وارده می باشد.

- با توجه به تفسیری که از مواد قانونی و قواعد حقوقی حاکم بر شرکت های تجاری ارائه می گردد ، مدیر در صورت ایراد خسارت به شرکت به دلیل انعقاد معامله خارج از موضوع در برابر آن مسئول می باشد.

- از جهات مزبور از جمله ، اهلیت شرکت تجاری ، جایگاه مدیران در شرکت ، مسئولیت مدیر در برابر شرکت و اشخاص ثالث و حدود اختیارات مدیر بین شرکت های تجاری تفاوتی وجود ندارد ، به جز شرکت با مسئولیت محدود که اگر در اساسنامه حدود اختیارات مدیر مشخص و تعیین شده باشد ، در برابر اشخاص ثالث قابل استناد است.

گفتار دوم

هدف تحقیق

به علت اینکه در قانون تجارت ایران رابطه مدیران با شرکت و اشخاص دیگر از نظر حقوقی و نیز ضمانت اجرای خروج مدیر از موضوع شرکت به نحو دقیق مشخص نشده و به تبع حدود اختیارات ، وظایف و مسئولیت مدیران و شرکتها نیز مبهم است ، در این پژوهش سعی شده جوانب مختلف موضوع بررسی شود تا برای محاکم در خصوص حل و فصل دعاوی علیه مدیران یا شرکت و وکلا در طرح دعوی علیه مدیران یا شرکت مورد استفاده قرار گیرد.

گفتار سوم

سوابق تحقیق

بطور کلی حقوقدانان کمتر به مطالعه و تحقیق در حقوق تجارت پرداخته اند ، به همین دلیل این رشته با کمبود منابع مواجه است. با اینکه موضوع در روابط و معاملات شرکت های

تجارتی و تعیین حدود حقوق و تکالیف شرکت و مدیر در قبال اشخاص ثالث حائز اهمیت است، لیکن چه در کتب قدیمی و چه در منابع جدید به اختصار، موضوع مورد بحث را مورد توجه قرار داده اند و مقاله ای نیز که اختصاص به این موضوع داشته باشد، وجود ندارد و در سطح پایان نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری پژوهش خاصی که به بررسی آن پرداخته باشد، ملاحظه نگردید.

لیکن در نظام های حقوقی دیگر کشورها به خصوص کشورهای اروپایی در مورد موضوع پژوهش پیشرفت زیادی کرده اند، و به سمت ایجاد ثبات، امنیت و سرعت در معاملات تجارتي و حفظ حقوق اشخاص ثالث گام های بلندی برداشته اند، چرا که احراز موضوع شرکت برای اشخاص ثالث مشکل و در بعضی مواقع غیر ممکن می باشد. حتی کشور انگلستان که تا زمان تصویب ماده ۳۵ جدید مصوب ۱۹۸۵ قاعده آلتراوایرز حاکم بود، تغییر زیادی در این خصوص کرده است. به موجب قاعده فوق الذکر اگر مدیر معامله ای خارج از موضوع شرکت منعقد می نمود، شرکت در برابر اشخاص ثالث در رابطه با چنین معامله ای تعهدی به عهده نداشت و اشخاص ثالث می بایستی برای خسارات وارده به شخص مدیر مراجعه می کردند و حقوق انگلستان معامله خارج از موضوع شرکت را باطل می دانست. ولی بعد از تصویب ماده ۳۵ جدید مصوب ۱۹۸۵ رویه کاملاً تغییر کرد و برای حفظ هر چه بیشتر حقوق اشخاص ثالث، سرعت بیشتر در معاملات و ثبات و امنیت در معاملات، ماده هایی تدوین نمودند، که طبق آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث در رابطه با معامله خارج از موضوع شرکت مدیر، متعهد است و اگر شرکت از این معامله مدیر متضرر شود، می تواند جهت جبران خسارات وارده به شخص مدیر مراجعه نماید و مدیر در این صورت در مقابل شرکت مسئولیت دارد.

گفتار چهارم

تقسیم مطالب

ما جهت سهولت درک موضوع ابتدا در فصل اول به تعاریف واژه های بکار رفته در عنوان پایان نامه ، مبنای اهلیت و چگونگی پیدایش اهلیت شرکت تجارتي می پردازیم ، سپس با توجه به اینکه در ایران دو نظریه در رابطه با اهلیت شرکت تجارتي وجود دارد در طی دو فصل به بررسی نظرات ، احکام و آثار ناشی از پذیرش هر یک از دو نظر می پردازیم. نظر کثیری از حقوقدانان این است که اهلیت شرکت های تجارتي محدود به موضوع شرکت است نه خارج از آن ، در نتیجه معامله خارج از موضوع شرکت باطل و مدیر خود مسئول است ، چرا که چنین معامله ای شرکت را متعهد نمی کند. ولی در مقابل ، عده ای نیز معتقدند که اهلیت شرکت تجارتي مطلق است ، بنابراین معامله خارج از موضوع شرکت صحیح است و شرکت را متعهد می سازد. ولی مدیر به دلیل تخلف از حدود اختیارات و خارج از موضوع بودن ، در مقابل شرکت مسئول خسارات ناشی از عمل خلاف خود می باشد. البته بعضی علیرغم اینکه اهلیت شرکت را مطلق می دانند ، معامله خارج از موضوع شرکت را نافذ نمی دانند و معتقد به عدم نفوذ چنین معاملاتی هستند و بعضی معتقد به بطلان نسبی معاملات خارج از موضوع شرکت می باشند. بنابراین احکام و آثار معاملات خارج از موضوع شرکت را با فرض اینکه اهلیت شرکت تجارتي مطلق و نامحدود نیست ، بلکه شرکت در حدود موضوع مندرج در اساسنامه اهلیت دارد نه خارج از آن ، در فصل دوم مطرح می نماییم. سپس احکام و آثار معاملات خارج از موضوع شرکت با فرض اینکه اهلیت شرکت مطلق و نامحدود است در فصل سوم بررسی می گردد ، در نهایت در فصل چهارم به مقایسه این دو فرضیه و نتیجه گیری می پردازیم.

مبحث دوم

تعاریف

گفتار اول

تعریف معامله

معامله کلمه ای عربی از مصدر باب مفاعله است و دارای سه معنی است: معامله به معنای اعم، معامله به معنی عام و معامله به معنای خاص.

الف- معامله به معنی اعم- عبارت است از هر عملی که محتاج به قصد قربت نباشد. بنابراین صدقه معامله نیست ولی غضب و اعمال موجبات ضمانات قهری و جرائم کییره و صغیره جزء معامله به معنی اعم می باشند.^۱

ب- معامله به معنی عام- عبارت است از اعمالی که نیازمند قصد قربت است، همانند اعمال عبادی که برای پذیرش و صحت آنها قصد نزدیکی به خداوند شرط است، مثل نماز و روزه و غیره.

ج- معامله به معنای خاص که خود به دو معنای خاص و اخص قابل تقسیم است. معامله به معنای خاص شامل عقود و ایقاعات می گردد، چه عقود مالی و چه عقود غیر مالی مثل نکاح.

۱- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران گنج دانش، ۱۳۳۷، ص ۲۶۴.

معامله به معنای اخص که از دو معنای گذشته خاص تر می باشد و قلمرو کمتری پیدا می کند ، شامل عقود مالی معوض است و شامل عقد نکاح نمی شود. معامله در این معنا هم عقود معین و هم عقود غیر معین را در برمی گیرد.^۱

هرچند قانونگذار ایران هیچ تعریفی از معامله بدست نداده است تا بتوان با قاطعیت آن تعریف را ارائه نمود. اما با مراجعه به قانون مدنی که مرجع تمامی قوانین است ، مشخص می گردد که قانونگذار معاملات را مرادف با عقود به کار برده است. پس می توان از تعریف عقد برای راه یابی به تعریف معامله یاری گرفت.

ماده ۱۸۴ق.م. در ذیل کتاب دوم مقرر می دارد : « عقود و معاملات به اقسام ذیل تقسیم می شوند:.....». و این مترادف در سایر موارد به کثرت دیده می شود و برخی از نویسندگان حقوقی به این مطلب اشاره داشته اند. دکتر امامی در تعریف معامله می گوید : « معامله کلمه ای است عربی و مصدر باب مفاعله است و در اصطلاح حقوقی با عقد فرقی ندارد». ^۲ و دکتر کاتوزیان نیز می گوید : « معامله کلمه ای است مترادف با عقد ». ^۳ اگر چه همین نویسندگان تفاوتهایی را بین دو واژه عقد و معامله قائل شده اند.

معامله در قانون تجارت در مفهوم وسیع بکار رفته است و کلیه عملیات (اعم از عقود و ایقاعات و غیر آنها) که به قصد سود بردن صورت گیرد ، معاملات تجارته محسوب است هرچند که معامله کننده تاجر نباشد و فقط یک بار یا دو بار چنین معامله ای صورت داده باشد به این ترتیب معاملات تجارته مرادف عملیات تجارته خواهد بود. ممکن است معامله به قصد سود گرفتن نباشد ولی لااقل یک طرف معامله تاجر باشد مانند رابطه اجیر تاجر با تاجر مطابق ماده سوم ق.ت. معامله تجارته است. منظور ما از معامله در این تحقیق کلیه معاملاتی (اعم از عقود و ایقاعات) است که در راستای موضوع شرکت منعقد می گردد ، خواه معامله منعقد تجارته باشد خواه معامله مدنی باشد.

۱- محمد جعفر ، جعفری لنگرودی ، پیشین ، ص ۶۶۴.

۲- سید حسن ، امامی ، حقوق مدنی ، جلد اول ، چاپ هفتم ، تهران کتابفروشی اسلامیة ، ۱۳۶۸ ، ص ۱۵۹.

۳- ناصر ، کاتوزیان ، قواعد عمومی قراردادها ، جلد اول ، چاپ دوم ، تهران ، ۱۳۷۳ ، ص ۱۱.

گفتار دوم

تعریف شرکت تجاری

الف - تعریف شرکت تجاری در قانون تجارت

قانونگذار ایران به جز در قانون مدنی در هیچ جای دیگر از شرکت تعریفی به عمل نیاورده است، در نتیجه در مجموعه قوانین تجاری تعریفی از شرکت دیده نمی شود. در اولین قانون تجارت که در آن راجع به شرکت های تجاری صحبت شده (قانون تجارت ۱۳۰۴-۱۳۰۳)، فقط به بیان وضعیت شرکت های تجاری (سهامی، تضامنی، مختلط و تعاونی) بسنده شده و هیچ تعریفی از شرکت به طور کلی ارائه نشده است.^۱ در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ نیز قانونگذار فقط به تعریف هر یک از شرکت های تجاری مذکور در آن پرداخته است که هر یک از آن تعاریف فقط مبین خصوصیات ویژه هر یک از انواع شرکت ها بوده و مبین ارکان تشکیل دهنده شرکت نیستند.

علت سکوت قانونگذار این است که قانون تجارت ایران از قانون تجارت فرانسه اقتباس شده است، لیکن مقنن به این امر توجه ننموده که اگر در فرانسه شرکت تعریف نشده است علت موجه داشته است.^۲ زیرا در قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۸۳۲ آن شرکت تعریف شده است و قانونگذار نیازی به تعریف شرکت در قانون تجارت نداشته است.

با توجه به این خلاء قانونی جا دارد که قانونگذار یا به گونه ای در قانون مدنی به تعریف شرکت بپردازد که مبین ارکان شرکت و قابل انطباق با قوانین تجاری باشد همانند قانونگذار فرانسه و یا در قانون تجارت تعریف جامع و مانع از شرکت ارائه نماید.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص شرکت های مذکور در قانون تجارت ۴-۱۳۰۳ رجوع کنید به محمد، عیسی تفرشی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۲-۱۴.

۲- ربیعا اسکینی، شرکت های تجاری، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۱۵.

ب- تعریف شرکت تجاری از نظر حقوقدانان

علمای حقوق کشورمان در خصوص تعریف شرکت تجاری اختلاف نظر دارند، به نظر می‌رسد این اختلاف نظر ناشی از دیدگاه آنان در خصوص ماهیت حقوقی شرکت تجاری است. در اینجا به بیان برخی از تعاریف که توسط استادان حقوق تجارت ارائه شده پرداخته و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آقای دکتر ستوده تهرانی در تعریف شرکت تجاری می‌نویسد:

« شرکت تجاری عبارت از سازمانی که بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود که در آن هر یک سهمی به صورت نقد یا جنس یا کار خود در بین می‌گذارند تا مبادرت به عملیات تجاری نموده و منافع و زیان‌های حاصله را بین خود تقسیم کنند»^۱.

البته دو ایراد مهم بر این تعریف وارد است:

۱- این تعریف شخص حقوقی را در بر نمی‌گیرد، به عبارت بهتر، اشخاص حقوقی نمی‌توانند شرکت تشکیل دهند. زیرا در تعریف به « نفر » اشاره شده و از لفظ نفر اینگونه استنباط می‌گردد که فقط شامل شخص حقیقی است و شامل شخص حقوقی نمی‌شود و برای شمول شخص حقوقی نیاز به قرینه دارد که در این تعریف قرینه‌ای دال بر اطلاق کلمه نفر به شخص حقوقی وجود ندارد در حالی که می‌دانیم در تشکیل شرکت تجاری شخص حقوقی نیز می‌تواند مشارکت داشته باشد و این را می‌توان از نص ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت.^۲ استنباط نمود.

۲- یکی از ارکان شرکت وجود سرمایه شرکت است که از آورده شرکا یا سهامداران تشکیل می‌شود و در این تعریف به نحوه انتزاع آورده شرکا از مالکیت آنها اشاره نشده است. می‌دانیم بدون وجود آورده و تشکیل سرمایه، شرکت تشکیل نخواهد شد و با تشکیل شرکت این آورده‌ها متعلق به شرکت خواهد بود.

۱- حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد اول، انتشارات دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵.

۲- ماده ۱۱۰ ل.ا.ق.ت. « اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیت‌های مدنی شخص حقیقی عضو مدیره را داشته و ... ».

آقای دکتر ربیعا اسکینی شرکت تجارتي را چنین تعريف کرده اند: « شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می کنند سرمایه مستقلى را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود ایجاد کنند و به مؤسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد اختصاص دهند و در زیان های احتمالی حاصل از به کار گیری سرمایه سهیم شوند»^۱.

بر این تعريف نیز دو ایراد اساسی وارد کرده اند :

اولاً- در این تعريف از شرکت تجارتي به عنوان قرارداد تعبیر شده است و منشا مستقیم شرکت ، اراده انشایی شرکا خواهد بود. در حالی که در حقوق تجارت ایران ، شرکت نه سازمان صرف بدون دخالت شرکا در تشکیل آن و نه صرفاً محصول اراده شرکا ، بلکه در عالم حقوق شرکت به معنای ماهیت حقوقی که دارای موجودیتی مستقل از شرکا باشد ، محصول اراده شرکا و اراده قانونگذار است. اراده شرکا در انتزاع مالکیت خصوصی ، جمع آورده سرمایه ای مستقل و انجام سایر تشریفات برای تشکیل دخیل بوده و قانونگذار به این مجموعه شخصیت حقوقی می بخشد.

ثانیاً- در تعريف ، به اختصاص سرمایه به « مؤسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد » اشاره شده ، گذشته از اینکه بکار بردن لفظ مؤسسه در معنای شرکت خالی از اشکال نیست ، در این تعريف تشکیل مؤسسه از توافق اراده شرکا در ایجاد سرمایه ای مستقل که در واقع تشکیل شرکت توسط شرکاست تفکیک شده و تشکیل شرکت از سرمایه جدا گردیده است و چنین متبادر ذهن می شود که ابتدا شخص حقوقی ایجاد سپس سرمایه توسط شرکا به این شخص حقوقی اختصاص می یابد. در حالی که آنچه مسیر اصلی تشکیل شرکت را شامل می شود ، عبارت است از توافق اراده شرکا در ایجاد سرمایه ای مستقل ، از طریق آورده های نقدی و غیر نقدی که قانونگذار به این مجموعه (شرکا ، سرمایه ، توافق شرکا یا شرکتنامه و موضوع منجز) شخصیت حقوقی بخشیده است ، سرمایه رکن سازنده و تشکیل دهنده شرکت است نه امر فرعی اختصاص وارد شده به شرکت (مؤسسه).

۱- ربیعا اسکینی ، حقوق تجارت ، جلد اول ، پیشین ، ص ۱۶.

ثالثاً- در این تعریف تنها به تقسیم زیان احتمالی اشاره شده در صورتی که هدف از تشکیل شرکت بردن سود و تقسیم آن بین خود می باشد و در این تعریف اشاره ای به آن نشده است. آقای دکتر عیسی تفرشی شرکت تجارتي را چنین تعريف کرده اند: « شرکت تجاری عبارت است از توافق دو یا چند شخص و استمرار اعتباری آن به منظور سرمایه گذاری در یک یا چند عمل تجاری به قصد گذشتن از مالکیت خصوصی خود نسبت به آورده های خویش و استفاده از شخصیت حقوقی مستقل و اعطایی قانونگذار و تقسیم منافع احتمالی آن بین خود»^۱.

در این تعریف سیر تکوین شرکت تعیین گردیده و مبین ماهیت حقوقی شرکت در حقوق ایران که تلفیقی از قرارداد و سازمان (اراده شرکا و قانونگذار) است ، می باشد. لیکن این تعریف نیز عاری از اشکال نیست. ایرادی که بر این تعریف وارد می شود ، این است که در این تعریف فقط به تقسیم سود بین شرکا اشاره شده ، هرچند هدف اولیه و اساسی شرکا از تشکیل شرکت بردن سود و تقسیم منافع بین خود می باشد لیکن شرکا در زیان احتمالی وارده نیز سهیم اند.

آقای دکتر پاسبان شرکت تجارتي را چنین تعريف کرده اند : « رابطه یا نهادی برآمده از توافق میان دو یا چند شخص که با اختصاص بخشی از دارایی یا دانش خود به منظوری خاص تحت عنوان شخصیت حقوقی مستقل تشکیل می گردد»^۲.

ایراد اساسی که بر این تعریف وارد است ، این است که به هدف اصلی تشکیل شرکت که همان تقسیم سود و زیان بین شرکاست اشاره ای نشده است. شاید بتوان با تلفیق تعریف اخیر با تعریفی که از دکتر عیسی تفرشی نموده تعریف جامع و مانعی ارائه نمود : « نهادی برآمده از توافق اراده میان دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی که با اختصاص بخشی از دارایی اعم از آورده نقدی یا غیر نقدی یا دانش خود به قصد گذشتن از مالکیت خصوصی

۱- عیسی تفرشی ، پیشین ص ۹۶.

۲- محمد رضا پاسبان ، حقوق شرکتهای تجاری ، چاپ اول ، تهران ، ۱۳۸۵ ، ص ۵۸ .